

## مبانی حقوقی و فقهی اجرای پیش از موعد قرارداد با مطالعه تطبیقی در اسناد بین‌المللی

ابراهیم شعاریان ستاری \*

محمد قربانزاده \*\*

تاریخ وصول: ۹۱/۹/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۲۳

### چکیده

با آنکه طرفین قرارداد، ملتزم به اجرای تعهدات خود در موعد مقرر می‌باشند، اما در مواردی از این امر تخطی می‌شود و متعهد، نسبت به اجرای تعهدات خود در زمان پیش‌بینی شده اقدام نمی‌کند. مصداق بارز این امر، تأخیر اجرای تعهد است. با وجود این ممکن است تحت شرایطی، متعهد تمایل داشته باشد که تعهد خود را قبل از موعد مقرر ایفا نماید. در این گونه مواقع، باید وضعیت حقوقی چنین اقدامی از دیدگاه فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرد و به این سؤال پاسخ داده شود که آیا متعهد دارای چنین اختیاری است یا خیر؟

در مقررات قانونی ایران، تعجیل اجرای تعهد، بر خلاف تأخیر اجرای آن مورد توجه قرار نگرفته است. در آثار حقوقی نیز موضوع چندان سابقه تحلیل و بررسی ندارد، اما این موضوع، در متون فقهی عامه و خاصه مورد مطالعه واقع گردیده و نظریات متفاوتی در خصوص آن ابراز شده است. همچنین در اسناد بین‌المللی راجع به قراردادها، نظیر: کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپا احکامی به این امر اختصاص یافته است. بر این اساس، مطالعه تطبیقی حاضر می‌تواند خلاء موجود را برطرف کند و الگوی قانونگذاری آینده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: قرارداد، اجرای پیش از موعد، مبانی، حقوق ایران، حقوق اسلام، اسناد بین‌المللی

\* دانشیار گروه حقوق دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)  
\*\* کارشناس ارشد فقه و حقوق

## ۱ - طرح اولیه بحث

یکی از موضوعاتی که در خصوص اجرای قراردادها مورد توافق طرفین قرار می‌گیرد، زمان اجرای عقد است. در بسیاری از قراردادهای مدنی و همچنین قراردادهای بین‌المللی، زمان اجرای قرارداد به صورت مضیق و یا موسع پیش‌بینی می‌شود و متعهد وظیفه دارد، تعهدات قراردادی خود را در زمان مقرر انجام دهد، با وجود این، در مواردی متعهد زمان اجرای قرارداد را رعایت نمی‌کند. در چنین حالتی می‌توان دو فرض متفاوت را در نظر گرفت:

در فرض اول، متعهد در اجرای تعهدات خود تأخیر می‌کند و در حقیقت، قرارداد را نقض می‌کند. در چنین وضعیتی، متعهد می‌تواند به طرق جبران قابل دسترس، متوسل گردد و الزام متعهد به اجرای عین تعهد و جبران خسارت تأخیر انجام تعهد را طلب نماید، یا در صورت تحقق شرایط لازم، قرارداد را فسخ کند. چنین فرضی در ادبیات حقوقی ایران، سابقه طرح دارد و در باب مسئولیت قراردادی در این خصوص سخن بسیار گفته‌اند.

فرض دوم، شامل موردی است که متعهد، قرارداد را نه در موعد مقرر، بلکه زودتر از آن اجرا می‌کند. در چنین وضعیتی، این سؤال مطرح می‌شود که چه اثری بر اجرای پیش از موعد عقد حکم فرما است و اینکه آیا از اساس، متعهد چنین اختیاری دارد که تعهد خود را، قبل از فرارسیدن موعد مقرر انجام دهد یا خیر؟ نگاهی به آثار حقوقی، نشان می‌دهد که درباره این موضوع کمتر بحث و بررسی شده است و موضوعات پیرامون آن واکاوی نگردیده است، در حالی که اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپا که از جمله اسناد مهم در قلمرو قراردادها به شمار می‌رود، موضوع بحث حاضر را مورد توجه قرار داده و احکامی را برای آن پیش‌بینی نموده‌اند. همچنین مطالعه منابع حقوق اسلامی، نشان می‌دهد که این موضوع از دید فقها نیز مخفی نمانده است و نظریات متفاوتی نیز در این خصوص ارائه شده است. به عنوان مثال، هرگاه عقد بیعی منعقد شود و پرداخت ثمن و تسلیم مبیع به زمان معینی در آینده موکول شود، آیا فروشنده می‌تواند کالای فروخته شده را قبل از فرارسیدن موعد تسلیم خریدار نماید و یا در مقابل خریدار قبل از موعد، ثمن را بپردازد؟ در چنین مواردی آیا رضایت طرف مقابل شرط است و در هر حال، اگر چنین تعهداتی پیش از موعد اجرا شوند، موجب برائت ذمه متعهد می‌شود؟

در قانون مدنی ایران، حکم صریحی در این باره مقرر نشده است. از این رو، در این مقاله با مطالعه تطبیقی در اسناد بین‌المللی

مورد اشاره و منابع حقوق اسلامی، به حد وسع، تلاش شده است تا مبنای فقهی و حقوقی موضوع و ماهیت حقوقی اجرای پیش از موعد تبیین شود.

بیان این نکته ضرورت دارد که شاید در بدو امر چنین تصور شود که متعهد همیشه اختیار دارد که به میل و اراده خود، دینی را که بر عهده دارد، زودتر از موعد ایفا نماید و در چنین حالتی متعهد متعطله منتفع می‌شود و رضایت او تأثیری در تعجیل تعهد مؤجل ندارد و محدودیتی در این خصوص وجود ندارد، اما باید توجه داشت که چنین اختیار مطلق برای متعهد وجود ندارد و ممکن است، تعجیل در اجرای تعهد، با حقوق متعهدله سازگار نباشد بنابراین، ضرورت دارد که این موضوع مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

## ۲- مفهوم و ذینفع اجل

قبل از ورود به مباحث ماهوی، ضرورت دارد اجل یا موعدی که طرفین، برای اجرای تعهدات قراردادی پیش‌بینی می‌کنند، در مفهوم لغوی و اصطلاحی بررسی شود و در عین حال، مشخص گردد که مهلتی که در قرارداد برای اجرای تعهد در نظر گرفته شده است، به نفع کیست؟ به عبارت دیگر، کدام یک از طرفین، ذینفع اجل محسوب می‌شوند. تأثیر شناسایی ذینفع اجل در بخش‌های آتی مقاله بیان شده است.

### ۲-۱- مفهوم اجل

اجل، در لغت به معنای گاه، هنگام زمان، زمان موعود، مرگ، نهایت زمان عمر، زمانه و نهایت مدت برای ادای قرض آمده است (عمید، ۱۳۶۹، ص ۸۵).

اجل در قرآن کریم، در موارد متعددی به کار رفته است، از آن جمله: در آیه ۲۸۲ سوره بقره<sup>۱</sup> به معنای انتهای مدت التزام یا زمان ادای التزام آمده است (الموسوعة الفقهية، ۱۴۰۴، ص ۵) و بیان شده است، ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که بدهی مدت داری (بر اثر وام یا معامله) به یکدیگر پیدا می‌کنید آن را بنویسید. در آیه ۴ از سوره طلاق: اجل، به معنی مدت عده بیان شده است.<sup>۲</sup> در آیه ۳۴ سوره الاعراف: به معنای نهایت حیات

۱. آیه ۲۸۲ سوره بقره: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَعْتُمْ بَدْنِي أَلِيَّ اجْتِمَعَتْ فَاكْتَبُوهُ وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ...».

۲. آیه ۴ سوره طلاق: «أَنْ ارْتَبْتُمْ فَعَدَّتْ ثَلَاثَةٌ أَشْهُرٌ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنْ وَأُولَاتُ الْأَمْثَلِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا».

۳. آیه ۳۴ سوره اعراف: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا

باشد، و در غیر اینصورت اگر مهلت یا محدوده زمانی برای اجرای تعهدات پیش‌بینی شود، مانند آنکه مقرر شود که تحویل کالا تا اول سپتامبر صورت خواهد گرفت، در چنین موردی تحویل کالا در هر موعدی قبل از تاریخ مذکور، موعد اجرای تعهد در نظر گرفته می‌شود و این امر به معنای اجرای پیش از موعد نیست.<sup>۸</sup>

## ۲-۲- ذینفع اجل

قانون مدنی ایران، اصلی در خصوص ذینفع اجل بیان نموده است، اما در فقه امامیه نظر مشهور (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۲۱۲؛ حائری، ۱۴۰۹، ص ۵۱؛ روحانی، ۱۴۱۲، ص ۴۲۰) این است که قبل از فرارسیدن موعد، قبول ثمن بر بایع واجب نیست، چرا که اجل همانطور که حق مشتری است به لحاظ التزام مشتری بر حفظ مال بایع، حق بایع نیز بشمار می‌رود.

در مقابل، برخی از فقهای امامیه (خوانساری، بی تا، ص ۵۶۶) بیان داشته‌اند که اجل رخصت و فرصتی برای رعایت حال مشتری است نه بایع. بنابراین ذینفع اجل مشتری است. به موجب نظر دیگری (خویی، بی تا، صص ۵۶۵-۵۶۶) در صورت عدم قرینه بر ذینفع بودن بایع و مشتری، اجل به نفع مشتری در نظر گرفته خواهد شد، چرا که بر حسب عامه مردم و عرف، غرض از شرط وسعت دادن فرصت بر مشتری از جهت تهیه ادای ثمن است و چنانچه ثمن پیش از موعد پرداخت شود، قبول آن بر بایع واجب است.

در حقوق کشورهای مختلف و اسناد بین‌المللی راه‌حل‌های متفاوتی در این خصوص در نظر گرفته شده است. در حقوق بعضی از کشورها، فرض می‌شود که زمان اجرا به نفع متعهد است. بنابراین متعهدله باید اجرای پیش از موعد را بپذیرد. البته در عین حال استثنائاتی بر این فرض وجود دارد.

به موجب ماده ۱۱۸۷ قانون مدنی فرانسه، اجل به نفع مدیون است، مگر آنکه خلاف آن احراز شود. به موجب ماده ۱-۱۱۸۷ طرح اصلاحی حقوق تعهدات فرانسه (طرح کاتالا) اجل به نفع متعهد فرض می‌شود، مگر اینکه از قرارداد یا اوضاع و احوال چنین برآید که اجل مزبور به نفع متعهدله یا برای نفع مشترک طرفین مقرر شده است. طرفی که اجل، منحصرأ به نفع وی پیش‌بینی شده، می‌تواند بطور یک جانبه از آن صرف‌نظر نماید (Cartwright, 2009, P. 722). بر اساس بند ۲ ماده ۲۷۱ قانون

بیان شده و همچنین درآیه ۵ سوره حج به معنای مدت و زمان استعمال شده است.<sup>۹</sup>

در اصطلاح فقهی، اجل مدت مستقبلی است بر امری از امور، خواه برای وفای به التزام یا انتهای التزام معین شده باشد و این مدت به حکم شرع (اجل شرعی)، یا توسط قاضی (اجل قضایی) و یا به اراده طرفین (اجل اتفاقی) مقرر می‌شود (عبدالرحمان، بی تا، ص ۶۶).

در اصطلاح حقوقی، اجل مدتی است که امکان مطالبه دین یا تعهد را به تأخیر می‌اندازد و از عوارض و قیود تعهد بشمار می‌رود (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲). همچنین گفته شده است: «اجل رویدادی است که در آینده بیگمان رخ می‌دهد و امکان مطالبه یا ادامه تعهد را معلق می‌کند» (همان، ص ۱۲۳) که وقوع اجل در آینده و قطعی بودن وقوع، دو ویژگی آن بشمار می‌رود. اجل ممکن است، تأخیری و یا تعلیقی باشد. دراجل تأخیری، مطالبه دین منوط به وقوع رویدادی مسلم در آینده است، ولی در اجل تعلیقی، ایجاد تعهد به امری محتمل در آینده بستگی دارد و آنچه موضوع بحث مقاله حاضر است، اجل تأخیری می‌باشد. اصولاً هر گاه برای اجرای تعهد، یا ادای دین موعودی پیش‌بینی نشده باشد، متعهد باید به تعهد خود به صورت حال عمل نماید. این نکته را می‌توان از ماده ۳۴۳ و بند سوم ماده ۴۹۰ و ماده ۶۵ قانون مدنی استنباط کرد. با این حال، هرگاه برای اجرای تعهد قانون<sup>۶</sup> یا قاضی<sup>۷</sup> یا طرفین مهلتی را پیش‌بینی کرده باشند، اجرای تعهد باید در همان زمان صورت پذیرد و تحت شرایطی که در مباحث بعدی بیان خواهد شد، امکان اجرای پیش از موعد متصور خواهد بود.

در اکثر قراردادها، طرفین به منظور جلوگیری از مشکلات بعدی زمان اجرای تعهدات را معین می‌کنند. تعیین موعد اجرا به دو روش صورت می‌پذیرد. در مواردی، زمان به صورت دقیق و مضیق تعیین می‌شود و در موارد دیگری زمان اجرای تعهد موسع در نظر گرفته می‌شود و زمان آغاز اجرای تعهدات، یا متصل به زمان انعقاد عقد است، یا بعد از مدتی، موعد شروع می‌شود و تا زمان معینی ادامه می‌یابد.

باید توجه داشت که اجرای پیش از موعد تعهدات، شامل موردی است که زمان اجرای قرارداد به نحو معین مقرر شده *يَسْتَقْدِمُونَ*.

۴. آیه ۵ سوره حج: «وَيُقَرَّرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى».

۵. در آیه ۲۳۱ سوره بقره، ۲۸ سوره قصص و آیه ۴ سوره نوح نیز (اجل) بکار رفته است.

۶. مواد ۴۹۲ و ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۰.

۷. مواد ۲۷۷ و ۶۵۲ ق.م.

مدنی آلمان<sup>۹</sup>، همان فرض در نظر گرفته شده است (Markesinis, 2006, P.356).

در برخی دیگر از کشورها، فرض بر این است که اجل به نفع هر دو طرف عقد است. به موجب ماده ۱۱۲۷ قانون مدنی اسپانیا، زمان اجرای قرارداد، چنین فرض می‌شود که به سود هر دو طرف عقد تعیین شده است، مگر آنکه منحصراً به نفع مدیون مقرر شده باشد. بر اساس ماده ۱۴۱۳ قانون مدنی اتریش، متعهدله را نمی‌توان به اجرای قبل از موعد ملزم نمود که این امر بر ذینفع بودن طرفین عقد دلالت دارد. در حقوق ایتالیا، نیز متعهدله می‌تواند اجرای پیش از موعد را رد کند، مگر آنکه زمان فقط به نفع متعهد در نظر گرفته شده باشد و در حقوق انگلیس خریدار کالا می‌تواند اجرای پیش از موعد را رد نماید. (Lando, 2000, P. 335)

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اجل به نفع هر دو طرف پیش‌بینی شده و بند ۱ از ماده ۵۲ کنوانسیون مزبور مقرر شده است که مشتری در قبض پیش از موعد و یا امتناع از قبض مخیر است.

به موجب ماده ۷-۱۰۳ اصول حقوق قراردادهای اروپا، متعهدله می‌تواند اجرای پیش از موعد را رد کند، مگر اینکه اجرای پیش از موعد به منافع وی آسیبی وارد ننماید، چرا که بر اساس اصل حسن نیت در چنین مواردی لازم است که اجرای پیش از موعد، توسط متعهدله مورد پذیرش قرار گیرد. (Ibid)

به نحو مشابهی در ماده ۵-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مقرر شده است که متعهدله می‌تواند اجرای پیش از موعد تعهد را رد کند، مگر اینکه هیچ نفع مشروعی در این کار نداشته باشد (اخلاقی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۵).

### ۳-۲- طرق شناسایی ذینفع اجل

علیرغم اینکه در قراردادها، زمان مشخصی برای اجرای تعهدات قراردادی پیش‌بینی می‌شود، لیکن در اکثر موارد ذینفع اجل به نحو صریحی معین نمی‌شود. در چنین مواردی، این سؤال مطرح می‌گردد که چگونه باید ذینفع اجل را تعیین نمود. به این منظور لازم است که مفاد قرارداد مورد بررسی قرار گیرد و با استفاده از ابزار تفسیر، ذینفع اجل مشخص شود. یکی از فواید شناسایی ذینفع اجل، امکان اسقاط اجل از سوی او و اجرای پیش از موعد عقد است.

### الف) قصد مشترک طرفین

در تفسیر قراردادها، قصد مشترک طرفین نقش اساسی دارد. هر گاه اجرای پیش از موعد مطرح شود، در شناسایی ذینفع اجل نیز باید در ابتدا قصد مشترک طرفین ملاک تشخیص قرار گیرد. به نظر برخی فقیهان، اگر در ضمن عقد به شرط اجل تصریح شده باشد، سه حالت متصور است: یا مشتری یا بایع و یا هر دو به عنوان ذینفع اجل تلقی خواهند شد (خویی، بی‌تا، ص ۵۶۵). شناسایی ذینفع اجل، با رجوع به قصد مشترک طرفین در حقوق کشورهای پیش گفته نیز مورد تأیید قرار گرفته و اراده طرفین مهمترین وسیله شناسایی موضوع بشمار می‌رود (Lando, 2000, PP. 334-335).

### ب) عرف و عادت

در تشخیص حدود تعهدات طرفین عقد، عرف و عادت نقش مهمی ایفا می‌کنند. ماده ۲۲۰ قانون مدنی نیز به این امر مهم اختصاص یافته است. با این حال اگر نتوان از متن عقد، ذینفع اجل را شناسایی نمود، یا باید به عرف حاکم رجوع کرد، یا آنکه رفتار معاملاتی طرفین را مبنای تشخیص در نظر گرفت.

برخی از فقیهان (خویی، بی‌تا، ص ۵۶۵) نیز معتقدند: اگر قرینه‌ای بر ذینفع بودن بایع و مشتری در میان نباشد، اجل به نفع مشتری در نظر گرفته خواهد شد، چرا که بر حسب عامه مردم و عرف، غرض از شرط، دادن فرصت به مشتری برای ادای ثمن است و در صورت پرداخت پیش از موعد، قبول آن بر بایع واجب است.

برخی از نویسندگان (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹) بیان داشته‌اند که شرط اجل بطور معمول به سود بدهکار است، پس هر گاه عقد دلالتی صریح در این خصوص نداشته باشد، می‌توان از طریق عرف، ذینفع اجل را شناخت.

### ج) اوضاع و احوال مرتبط<sup>۱۰</sup>

اوضاع و احوال حاکم بر عقد، می‌تواند در تشخیص حدود تعهدات طرفین عقد و احکام مترتب بر آن مؤثر باشد. بنابراین، هرگاه نتوان ذینفع اجل را از متن عقد شناسایی نمود، با رجوع به اوضاع و احوال، امکان تشخیص وجود خواهد داشت. به عنوان مثال، هرگاه شخصی هم زمان با آغاز سفر خود میبایستی خریداری نماید و زمان تسلیم کالا به آینده موکول گردد، می‌توان گفت همزمانی سفر و معامله مزبور، اوضاع و احوالی است که ذینفع بودن خریدار را نسبت به زمان اجرای تعهد مدلل می‌سازد. در قانون مدنی ایران، موارد متعددی از رجوع به اوضاع و احوال، در تفسیر قراردادها ملاحظه می‌شود. مواد ۴۹۰، ۴۹۲،

9. §271(2): «Where a time has been specified, then in case of doubt it must be assumed that the obligee may not demand performance, but the obligor may effect it prior to that time».

10. Relevant Circumstances

مدنی به طور ضمنی می‌توان مواردی را در این زمینه کشف و استنباط نمود.

به موجب قاعده کلی، متعهد وظیفه دارد، تعهد خود را در زمان مقرر ایفاء کند و نمی‌توان متعهد را به اجرای پیش از موعد ملزم نمود. بر این اساس، ماده ۳۹۴ ق.م. بیان می‌دارد: «مشتري باید ثمن را در موعد و در محل و بر طبق شرایطی که در عقد بیع مقرر شده است تأدیه نماید».

همچنین ماده ۷۳۹ ق.م. مقرر داشته است: «در کفالت مطلق، مکفوله هر وقت بخواهد می‌تواند احضار مکفول را تقاضا کند، ولی در کفالت موقت قبل از رسیدن موعد حق مطالبه ندارد».

ماده ۷۴۴ ق.م. نیز در ارتباط با تعهد کفیل بیان نموده است: «اگر کفیل مکفول را در غیر زمان و مکان مقرر یا برخلاف شرایطی که تعیین کرده‌اند تسلیم کند قبول آن بر مکفوله لازم نیست، لیکن اگر قبول کرد، کفیل بری می‌شود. همچنین اگر مکفوله برخلاف مقرر بین طرفین تقاضای تسلیم نماید، کفیل ملزم به قبول نیست». باید توجه داشت که عبارت «غیر زمان ... مقرر» هم شامل تعجیل و هم شامل تأخیر در تسلیم مکفول است. از دو حکم یاد شده، استنباط می‌شود که در کفالت مقید به زمان معین، کفیل و مکفوله هر دو ذینفع اجل می‌باشند.

به موجب ماده ۷۱۵ ق.م. «هرگاه دین مدت داشته و ضامن قبل از موعد آن را بدهد، مادام که دین حال نشده است نمی‌تواند از مدیون مطالبه کند». با آنکه موضوع عقد ضمان می‌تواند تعهد غیر پولی، مانند ایفای ده تن گندم یا احداث ساختمان و خیاطی و امثال آن باشد، اما در اغلب موارد از عقد ضمان در تعهدات و دیون پولی استفاده می‌شود. اکثر مثالهای ذکر شده نیز در خصوص دیون پولی است (امامی، ۱۳۷۴، صص ۲۶۵-۲۶۶؛ کاتوزیان، ۱۳۶۴، ص ۲۶۹ به بعد). در این ماده، امکان پرداخت دین قبل از موعد، به طور ضمنی مورد تأیید قرار گرفته است، لیکن به امکان رد ایفای پیش از موعد از طرف داین اشاره نشده است. شاید این امر به این علت است که دین مورد ضمانت، معمولاً از جمله تعهدات پولی است، به نحوی که در مباحث آتی مورد اشاره قرار گرفته است، ایفای پیش از موعد دیون پولی، اصولاً نیازمند رضایت طلبکار نیست و نمی‌تواند از سوی او رد شود؛ زیرا در اینگونه تعهدات، اجل به سود مدیون در نظر گرفته می‌شود.

از این ماده استنباط می‌شود که اگر برای ضامن، به طور ضمنی امکان ایفای دین قبل از موعد وجود دارد، پس مدیون اصلی (مضمون‌عنه) نیز قبل از وقوع عقد ضمان چنین حقی را دارد، اما باید توجه داشت که در اغلب موارد ضمان نسبت به

۶۵۲، قانون مدنی، از جمله مواردی است که اوضاع و احوال را ملاک تفسیر قرار داده است. همچنین ماده ۱۳۲۱ ق.م. در تعریف اماره بیان داشته که: «عبارت از اوصاف و احوالی که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود». مذاکرات مقدماتی طرفین نیز یکی از مصادیق اوضاع و احوال مرتبط با قرارداد است که می‌تواند در شناسایی ذینفع اجل مورد توجه قرار گیرد. در ماده ۱۰۲-۵ اصول حقوق قراردادهای اروپا اوضاع و احوال مرتبط یکی از ابزارهای تفسیر قرارداد در نظر گرفته شده است. (Lando and Beale, op. cit., P.291)

### د) تفسیر به نفع متعهد

در برخی موارد ممکن است که نتوان از متن قرارداد، عرف و عادت یا اوضاع و احوال مرتبط ذینفع اجل را شناسایی کرد. در چنین صورتی، باید دید در موارد شک و تردید اصل چه اقتضایی دارد؟ آیا باید اجل را به نفع متعهد دانست یا به نفع متعهدله و یا طرفین؟

در قانون مدنی ایران، فرضی در این خصوص وجود ندارد، لیکن برخی (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲) معتقدند عرف معمول اقتضاء می‌کند که اجل به نفع متعهد باشد. با اینکه در این نظر به ظاهر به عرف استناد شده است، اما چنین استنباط می‌شود که منظور ارائه فرض و قاعده کلی در موارد تردید در شناسایی اجل است.

در برخی از نوشته‌های حقوقی (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸، صص ۱۷۲-۱۷۳) بیان شده است که در بعضی تعهدات، رعایت زمان تعهد بر هر دو طرف لازم است، مانند بلیط مسافرت هواپیما که نه مسافر می‌تواند قبل از فرا رسیدن زمان آن را بخواهد و نه شرکت مسافربری حق دارد پیش از موعد، در مقام اجرا بر آید، اما در اغلب تعهدات عرف و عادت معامله، نشانگر آن است که زمان اجرای تعهد، فقط متعهدله را مقید می‌کند، ولی متعهد می‌تواند پیش از فرارسیدن اجل، تعهد خود را انجام دهد. مانند ماده ۶۵۱ قانون مدنی، چرا که محدود کردن متعهد، به صراحت کافی نیاز دارد. در صورت شک نیز تعهد ناشی از عقد، به نفع متعهد تفسیر می‌شود. ماده ۶۵۱ ق.م. هم به تلویح بر این اصل دلالت دارد.

## ۳- مبانی حقوقی اجرای پیش از موعد عقد

### ۳-۱- قوانین موضوعه

در قانون مدنی، حکم صریح و قاعده کلی در خصوص اجرای پیش از موعد عقد بیان نشده است، ولی از برخی مواد قانون

تعهدات پولی منعقد می‌شود. این موضوع از برخی مواد قانون مدنی در باب ضمان از جمله مواد ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۹، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۷، ۷۰۸ و ۷۲۱ استنباط می‌شود.<sup>۱۱</sup>

همچنین در ماده ۷۱۶ ق.م. نیز امکان پرداخت پیش از موعد برای ضامن، نسبت به ضمان مؤجل از دین حال ملاحظه می‌شود. در چنین حالتی، ضامن دین حال را با قید مدت ضمانت می‌کند و پرداخت آن را در اجل معینی به عهده می‌گیرد، اما در عین حال، قادر است که قبل از فرارسیدن موعد، دین را به طلبکار بپردازد.

مشابه همین وضعیت در عقد قرض ملاحظه می‌شود، ماده ۶۵۱ ق.م. مقرر داشته است که: «اگر برای ادای قرض به وجه ملزومی اجلی معین شده باشد، مقرض نمی‌تواند قبل از انقضاء مدت طلب خود را مطالبه کند». با آنکه این حکم، در مقام بیان عدم امکان مطالبه طلب، قبل از فرارسیدن اجل از سوی وام‌دهنده است، اما چون در مورد مدیون ساکت است، می‌توان استنباط نمود که پرداخت پیش از موعد از سوی او منعی نخواهد داشت، چرا که معمولاً موضوع قرض، مبلغی پول است و پرداخت پیش از موعد، مخل حقوق مقرض نیست.

ماده ۲۴۴ قانون مدنی، مقرر داشته است: «طرف معامله که شرط به نفع او شده است می‌تواند از عمل به آن شرط صرف نظر کند، در این صورت، مثل آن است که این شرط در معامله قید نشده باشد...».

برخی از حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹؛ صفایی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸) با استناد به این ماده، بیان داشته‌اند که شرط اجل چون معمولاً به سود بدهکار است، طلبکار قبل از موعد حق مطالبه ندارد، اما بدهکار (مشروطاً له) می‌تواند از این امتیاز صرف نظر کند و دین را قبل از موعد بپردازد.

حکم قانونی دیگری که در ارتباط با اجرای پیش از موعد، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، ماده ۲۶۶ ق.م. است که مقرر داشته است: «در مورد تعهداتی که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمی‌باشد اگر متعهد به میل خود آن را ایفاء نماید دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود».

برخی از حقوقدانان (صفایی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۷؛ امامی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۵) در بیان مصادیق تعهدات غیر قابل مطالبه، به تعهدات طبیعی از جمله تعهدات مشمول مرور زمان اشاره نموده‌اند، اما عده‌ای (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶) اجرای پیش از موعد عقد را نیز به عنوان یکی از مصادیق ماده ۲۶۶ قانون مدنی تلقی

۱۱. در مواد مذکور از واژه‌هایی استفاده شده است که در زبان حقوقی معمولاً منصرف به تعهدات پولی است.

کرده‌اند. به اعتقاد یکی دیگر از نویسندگان (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰) رعایت مفاد ماده ۲۶۶ قانون مدنی که ناظر به دیون طبیعی است «یعنی دینی که طلبکار هیچگاه حق مطالبه ندارد» در خصوص دین مؤجل اولی است؛ زیرا دین مؤجل را به طور موقت نمی‌توان مطالبه کرد و به حکم ماده ۲۶۶ قانون مدنی، اگر مدیون، دین مؤجل خود را پیش از موعد بپردازد، حق استرداد آن را ندارد؛ زیرا از امتیازی که داشته، صرف نظر نموده است. برخی دیگر نیز (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶) عدم امکان استرداد تعهد ایفا شده، قبل از فرارسیدن اجل را از ماده ۲۶۶ قانون مدنی استنباط نموده‌اند.

به نظر می‌رسد، در حقوق ایران ماده ۲۶۶ قانون مدنی می‌تواند در خصوص عدم امکان استرداد آنچه که پیش از موعد اجرا شده است، مورد استناد قرار گیرد. حکم مذکور در ماده یاد شده، به تعهدات طبیعی اختصاص ندارد، اما باید توجه داشت که ماده ۲۶۶ ق.م. در مقام بیان جواز اجرای پیش از موعد عقد، به عنوان یک قاعده کلی نبوده و فقط اثر ناشی از اجرای پیش از موعد عقد را که همان عدم امکان استرداد تعهد ایفا شده است، ذکر می‌کند.

### ۲-۳- دکترین حقوقی

برخی از حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۸۹، صص ۱۲۹-۱۳۰) در امکان اجرای پیش از موعد عقد، به موضوع ذینفع اجل پرداخته و بیان نموده‌اند که هر گاه اجل، به سود هر دو طرف باشد، هیچ کدام حق تجاوز به آن را ندارند و بر هم زدن شرط اجل نیاز به تراضی دارد، اما هر گاه اجل به سود مدیون باشد، او می‌تواند از این حق بگذرد و دین را پیش از موعد بپردازد.

به نظر یکی از نویسندگان، (صفایی، ۱۳۸۴، صص ۱۳۸-۱۳۹) اگر ثابت شود که اجل به نفع متعهد است، این اجل، از ناحیه وی قابل اسقاط است؛ زیرا هر شرطی از ناحیه مشروط‌له قابل اسقاط است (ماده ۲۴۴ ق.م.). بنابراین، در عقد بیع هر گاه ثابت شود که مهلت تسلیم مبیع، فقط به نفع فروشنده است او می‌تواند از این حق، صرف نظر کند و مبیع را قبل از موعد تسلیم نماید، و مشتری هم ملزم به قبول آن است. اما هرگاه ثابت شود که اجل به نفع طرفین و یا به نفع متعهدله (مشتری) است و فروشنده بخواهد، مبیع را قبل از موعد تسلیم کند، مشتری مخیر است آن را بپذیرد یا رد نماید و این را از مفهوم ماده ۲۴۴ ق.م. می‌توان دریافت.

برخی از حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص ۶۱۹) در خصوص موعد پیش‌بینی شده در عقد قرض، بیان داشته‌اند که تعیین اجل تنها وام‌دهنده را پای‌بند می‌کند و مانع از آن نیست که وام‌گیرنده



هر زمان که مایل است، بدهی خود را پردازد، چرا که طلبکار سودی از ادامه قرض نمی‌برد، اما هر گاه ثابت شود که وام دهنده نیز در باقی ماندن دین و اجل نفعی دارد، وام گیرنده نمی‌تواند این توافق را یک جانبه به هم زند و وام را پردازد. این عقیده به خصوص در نظام حقوقی ایران، که وام با بهره ممنوع اعلام شده است، موضوعیت بیشتری دارد، اما هرگاه تحت شرایطی وام با بهره تجویز شده باشد<sup>۱۲</sup>، چنین وام با سودی به نفع طرفین است و یکجانبه از سوی مدیون قابل اسقاط نیست.

در برخی نوشته‌های حقوقی (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸، صص ۱۷۲-۱۷۳) بیان شده است که در بعضی تعهدات، رعایت زمان تعهد بر هر دو طرف لازم است، مانند بلیط مسافرت هواپیما که نه مسافر می‌تواند قبل از فرا رسیدن زمان آن را بخواهد و نه بنگاه مسافربری حق دارد پیش از موعد در مقام اجرا بر آید، اما در اغلب تعهدات عرف و عادت معامله، نشانگر آن است که زمان اجرای تعهد، فقط متعهدله را مقید می‌کند، ولی متعهد می‌تواند پیش از حلول اجل تعهد خود را انجام دهد. گفتنی است یکی از موانع مهم و عمده در اجرای پیش از موعد عقد، همانگونه که در اسناد بین‌المللی به آن اشاره شده است، ایجاد زحمت و هزینه اضافی (ضرر) برای متعهدله است، اما ملاحظه می‌شود که در آثار حقوقی ایران، سخنی از این موضوع به میان نیامده است، هر چند در برخی از آثار حقوق اسلامی به این مهم توجه شده است. در بخشهای آتی مقاله این وضعیت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتنی است یکی از موانع مهم و عمده در اجرای پیش از موعد عقد، همانگونه که در اسناد بین‌المللی به آن اشاره شده است، ایجاد زحمت و هزینه اضافی (ضرر) برای متعهدله است، اما ملاحظه می‌شود که در آثار حقوقی ایران، سخنی از این موضوع به میان نیامده است، هر چند در برخی از آثار حقوق اسلامی به این مهم توجه شده است. در بخشهای آتی مقاله این وضعیت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳-۳- اسناد بین‌المللی

در برخی از اسناد مهم بین‌المللی در زمینه قراردادها، مانند: کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپا، به موضوع اجرای پیش از موعد تعهدات قراردادی اشاره و احکام آن پیش‌بینی شده است. هر چند، در ظاهر دیدگاه اسناد مورد اشاره در خصوص موضوع بطور کامل یکسان نیست، اما با تفاسیری که شارحین اسناد مزبور ارائه نموده‌اند، تفاوت‌ها ظاهری تلقی شده است و می‌توان از آنها پیام مشترکی را از استنباط نمود.

#### الف) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا<sup>۱۳</sup>

به موجب بند اول ماده ۵۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اگر

باید توجه داشت که اجرای پیش از موعد شامل موردی است که زمان اجرای قرارداد به نحو مشخصی تعیین شده باشد، در غیر اینصورت اگر موعدی مشخص برای اجرای تعهدات پیش‌بینی شود، مانند آنکه مقرر شود که تحویل کالا تا اول سپتامبر صورت خواهد گرفت، در چنین موردی تحویل کالا در هر موعدی قبل از تاریخ مذکور، موعد قراردادی اجرای تعهدات در نظر گرفته می‌شود و این امر، به معنای اجرای پیش از موعد نیست<sup>۱۴</sup>.

با این حال، آزادی عدم تحویل قبل از موعد، با تعهد رعایت حسن نیت (ماده ۷ کنوانسیون) محدود شده است، اما چگونه می‌توان مرز این دو نقطه را روشن نمود؟ یکی از شارحین کنوانسیون، می‌گوید: خریدار نمی‌تواند تحویل زودرس را نپذیرد هنگامی که چنین امری مستلزم ضرر و زیان قابل توجهی برای فروشنده است و دلیل مناسبی برای توجیه چنین ردی وجود ندارد، در حالی که مفسر دیگری چنین عقیده‌ای را نمی‌پذیرد (Will and Bonell, op. cit., loc. Cit.).

به عقیده برخی از شارحین کنوانسیون، اعمال بند ۱ ماده ۵۲ نیازمند تفسیر قرارداد است و اختیار خریدار در رد تحویل پیش از موعد کالا، نیازمند آن است که زیان احتمالی اثبات شود یا نقض

۱۲. تبصره ۳ ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی وام با بهره را در رابطه میان پدر و فرزند یا زن و شوهر یا بین مسلمان و کافر (در موردی که مسلمان دریافت‌کننده بهره باشد)، پذیرفته است.

13. United Nations Convention on Contracts for The International Sale of Goods (1980) [CISG]

14. UNCITRAL Digest of Case Law on the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, UNITED NATIONS, New York, 2012 ed, p. 248.

اساسی رخ دهد. حتی خریدار، به استناد سود کم نیز می‌تواند به رد نامتعارف متوسل شود. این اختیار خریدار، به معنای فسخ قرارداد از سوی او نیست و فروشنده می‌تواند کالا را در موعد مجاز مقرر در قرارداد تحویل دهد (Honnold, 2009, P. 458).

با توجه به اینکه ماده ۵۲ کنوانسیون، ذیل بخش سوم، یعنی طرق جبران نقض قرارداد به وسیله فروشنده، ذکر شده است. بنابراین، اجرای پیش از موعد، توسط فروشنده نقض قرارداد محسوب می‌شود. در چنین شرایطی به خریدار اختیار داده شده است که در مواجهه با این وضعیت، کالا را نپذیرد؛ چرا که ممکن است ضرر و هزینه اضافی برای او در پی داشته باشد.

اگرچه اختیار خریدار در چنین مواردی مطلق در نظر گرفته شده است، اما اعمال چنین اختیاری می‌تواند با ماده ۶۰ کنوانسیون نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به عنوان یک اصل کلی از فحوی مواد کنوانسیون استنباط شده است که رفتار هر یک از طرفین قرارداد بایستی مطابق با معیار «شخص متعارف»<sup>۱۵</sup> باشد. همچنین ملاحظه می‌شود که به موجب بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون، خریدار باید با حسن نیت رفتار نماید. نظر به دو مورد یاد شده، اختیار خریدار در عدم تحویل پیش از موعد، نمی‌تواند نامحدود و بدون شرط باشد. بنابراین، اگر کشتی حامل کالا، یک هفته قبل از موعد تحویل به مقصد برسد، خریداری که انبار در اختیار دارد نمی‌تواند تحویل پیش از موعد را رد کند جایی که، فروشنده آمادگی دارد تا هزینه‌های خریدار را تقبل نماید و ریسک (ضمان معاوضی) مورد معامله را تا تاریخ مقرر در قرارداد برای تحویل کالا به عهده بگیرد (Ying, 2007, PP. 363, 364).

در شرح ماده ۵۲ کنوانسیون، عده‌ای بیان داشته‌اند که رد تحویل پیش از موعد کالا از سوی خریدار، با استناد به ضرورت رعایت اصل حسن نیت (ماده ۷ کنوانسیون) و عرف و عادت (ماده ۹ کنوانسیون) نیز می‌تواند محدود شود (Enderlein, 1992, P. 201).

به هر حال، چنانچه خریدار به درستی تحویل پیش از موعد کالا را رد کند، فروشنده باید کالا را در زمان مقرر در عقد، تحویل دهد.<sup>۱۶</sup>

با وجود این، هرگاه خریدار تحویل قبل از موعد کالا را قبول کند، متعهد است که ثمن معامله را طبق ماده ۵۳ کنوانسیون، بر اساس شرایط مقرر در قرارداد و کنوانسیون پرداخت نماید (Schwenzer, 2007, P. 405).

در یکی از دعاوی مطروحه<sup>۱۷</sup>، قراردادی میان فروشنده و خریدار روسی در اواسط نوامبر ۱۹۹۳ منعقد شده بود که به موجب آن، فروشنده متعهد شده بود که در قبال ثمن معین، مواد اولیه جهت شکلات سازی را به خریدار تحویل دهد، اولین پرداخت خریدار می‌بایست ظرف سه روز از ارائه ضمانت‌نامه بانکی از سوی خریدار به فروشنده پرداخت می‌شد و تاریخ تحویل کالا یک هفته بعد از ارائه ضمانت‌نامه بانکی پیش‌بینی شده بود. در نتیجه مکاتبات بعدی طرفین، تحویل کالا به تعطیلات کریسمس آینده موکول شد.

در اواسط دسامبر ۱۹۹۳ فروشنده، یکی از دو محموله موضوع قرارداد را بر اساس درخواست کتبی خریدار به او تسلیم نمود، اما خریدار از پرداخت ثمن معامله امتناع نمود. در عین حال، مدعی شد که فروشنده به علت اینکه قبل از واگذاری ضمانت‌نامه بانکی، کالا را ارسال داشته است، مرتکب نقض اساسی شده است. وی همچنین مدعی شد که عدم پرداخت ثمن ناشی از این بوده است که پیمانکار فرعی وی، قبول پیش از موعد کالای تحویلی را به علت تغییر وضعیت اقتصادی رد نمود است. دیوان داوری مقرر نمود که بر اساس ماده ۵۳ کنوانسیون یکی از تعهدات اصلی خریدار، پرداخت ثمن مقرر برای کالا بوده است و تخلف فروشنده در تحویل کالا بدون آنکه ضمانت‌نامه بانکی را اخذ نموده باشد، نمی‌تواند دلیل برائت خریدار از تعهداتش باشد، چرا که وی تحویل کالا را پذیرفته است، بنابراین، دیوان داوری دعوی فروشنده را در مطالبه ثمن تایید نمود.

#### ب) اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی<sup>۱۸</sup>

به موجب ماده ۵-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، متعهدگانه می‌تواند اجرای پیش از موعد تعهدات را رد نماید، مگر اینکه هیچ نفع مشروعی در این کار نداشته باشد. این حکم، ناشی از ضرورت رعایت اصل حسن نیت است که در ماده ۷-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مقرر شده است (Joachim, 1997, P. 87).

اصل حسن نیت و معامله منصفانه، در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، مورد توجه خاص قرار گرفته و رعایت آن در مراحل مختلفی از جمله مذاکرات مقدماتی، اجرای قرارداد، تفسیر قرارداد و حتی به هنگام نقض قرارداد لازم تلقی شده

17. Tribunal Of International Commercial Arbitration At Russian Federation Chamber Of Commerce And Industry (Russia), 25 April 1995, see: Ibid, at. 406.

18. UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts [UPICC]

15. Reasonable Person

16. UNCITRAL Digest of Case Law on the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods, UNITED NATIONS, New York, 2012 ed, p. 248.



چنین صورتی مکلف به پذیرش آن است.

همانگونه که ملاحظه می‌شود، متعهدله از آزادی عمل کاملی در این خصوص برخوردار نیست و در اجرای پیش از موعد عقد، به اصل حسن نیت که در اصول حقوق قراردادهای اروپا نقش برجسته‌ای را ایفا می‌کند توجه گردیده و هنگامی که اجرای پیش از موعد عقد، زحمتی برای طلبکار نداشته باشد، رد چنین اجرائی، مغایر با اصل حسن نیت تلقی شده است.

استثنای دیگری که برای امکان رد اجرای پیش از موعد عقد در اصول یاد شده پیش‌بینی شده و در شرح ماده مذکور نیز بیان گردیده است در خصوص تعهدات پولی است؛ زیرا رد اجرای پیش از موعد تعهدات پولی توجیه ناپذیر است؛ چرا که طلبکار در وصول طلب پولی خود، پیش از زمان مورد انتظار مواجه با هیچ ضرری نیست، البته مشروط بر اینکه چنین ایفای پیش از موعدی، اثری بر مطالبه بهره پولی نداشته باشد (Lando, 2000, P. 334).

بند دوم ماده ۱۸۳ قانون مدنی مصر، حکم مشابهی پیش‌بینی نموده و حق طلبکار در مطالبه منافع و بهره تعهد پولی که پیش از موعد پرداخت شده را برای طلبکار محفوظ داشته است (السنهوری، ۱۹۷۴، ص ۱۲۱۸).

برخی از نویسندگان، بیان داشته‌اند که یکی از استثنائات بند ۱ ماده ۷-۱۰۳ اصول حقوق قراردادهای اروپا، مربوط به اجرای پیش از موعد تعهدات پولی است؛ زیرا در چنین حالتی ضرری برای متعهدله متصور نیست و رد چنین اجرائی با اصل حسن نیت سازگاری ندارد، مگر آنکه وی خلاف آن را اثبات نماید (Ying, 2007, PP. 363, 364).

#### د) پیش نویس طرح مشترک مرجع

به موجب بند اول ماده ۲-۱۰۳ پیش نویس طرح مشترک مرجع<sup>۲۱</sup> که در حقیقت طرح اولیه و پیشنهادی برای قانون مدنی آینده اتحادیه اروپا تلقی می‌شود، متعهد می‌تواند اجرای پیش از موعد را که به او پیشنهاد شده است، رد کند، مگر آنکه چنین اجرائی خسارت نامتعرفی برای وی تحمیل ننماید (von Bar, 2009, P. 234).

به نحوی که ملاحظه می‌شود، در این سند بین‌المللی نیز همانند اصول حقوق قراردادهای اروپا، اختیار مطلق برای رد اجرای پیش از موعد برای متعهدله در نظر گرفته نشده است و چنانچه اجرای زودرس لطمه نامتعرفی وارد نکند، متعهدله ملزم به پذیرش آن است.

است. یکی از موارد رعایت حسن نیت، ناظر به رد اجرای پیش از موعد عقد است و به این معنی است که متعهدله بایستی منفعت مشروعی در این خصوص داشته باشد و بدون دلیل اجرای پیش از موعد را رد نکند.

در شرح رسمی ذیل ماده ۷-۱ اصول مزبور که به حسن نیت اختصاص یافته است، ماده ۵-۱-۶ نیز به عنوان موردی که رعایت حسن نیت در آن الزامی است، در نظر گرفته شده است (Christine Zaccaria, 2004, P. Vo1.1, 111).

لازم به ذکر است، اگر طرف قرارداد اجرای پیش از موعد را قبول کند، طبق بند ۲ ماده ۵-۱-۶ اصول مزبور، تأثیری بر زمان اجرای تعهدات او نخواهد داشت، این حکم شامل موردی است که موعد اجرای تعهد متعهدله زمان مشخصی است که با اجرای تعهد طرف دیگر که پیش از موعد صورت می‌گیرد، ارتباطی ندارد.

اما هر گاه زمان اجرای تعهدات طرفین به یکدیگر مرتبط باشد، مانند آنکه مقرر شود به محض تحویل کالا، ثمن پرداخت خواهد شد، متعهدله می‌تواند اجرای پیش از موعد را به دلیل عدم آمادگی خود در پرداخت ثمن رد کند. بدیهی است متعهدله می‌تواند با قبول اجرای پیش از موعد، این حق را برای خود محفوظ تلقی کند که ثمن را در همان موعد مقرر در عقد بپردازد<sup>۲۲</sup>.

هرگاه در اجرای به موقع قرارداد، متعهدله نفع مشروعی نداشته باشد، نمی‌تواند اجرای پیش از موعد را رد کند این گونه مواقع، متعهدی که اجرای پیش از موعد را پیشنهاد می‌کند، باید ثابت کند که طرف مقابل نفع مشروعی ندارد (Ibid).

#### ج) اصول حقوق قراردادهای اروپا<sup>۲۰</sup>

هر چند که در برخی از قوانین، فرض اجرای پیش از موعد تعهدات برای متعهد در نظر گرفته شده است، اما چنین قاعده‌ای نیازهای روابط جدید قراردادی را برآورده نمی‌سازد. اجرای قرارداد، عموماً مطابق با فعالیتها و قابلیت دسترسی طلبکار تنظیم شده و اجرای پیش از موعد ممکن است سبب هزینه و زحمت اضافی شود. به این منظور در اصول حقوق قراردادهای اروپا، حکمی ویژه برای این مورد پیش‌بینی شده است. به موجب بند اول ماده ۷-۱۰۳ اصول یاد شده، طرف قرارداد می‌تواند اجرای پیش از موعد را رد نماید، مگر هنگامی که قبول اجرای مورد نظر، به صورت غیر متعارفی به منافع وی آسیب نرساند، که در

19. <http://www.unidroit.org/english/principles/contracts/principles2010/integralversionprinciples2010-e.pdf> (p.186)

20. Principles of European Contract Law [PECL]

21. - III. - 2:103: Draft Common Fram of Reference (DCFR).

## ۵) مقایسه اسناد

با بررسی اسناد مورد اشاره معلوم می‌شود که متن بند ۱ ماده ۵۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بر خلاف ماده ۵-۱-۶ قراردادهای تجاری بین‌المللی و ماده ۱۰۳-۷ اصول حقوق قراردادهای اروپا، حق رد ایفای پیش از موعد را به طور مطلق بیان نموده است. بر خلاف ماده ۵۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی به صورت صریح محدودیتی برای رد اجرای پیش از موعد، در نظر گرفته است و آنچه از بند ۱ ماده ۵۲ کنوانسیون استنباط می‌شود، این است که امکان رد اجرای پیش از موعد تعهد، به عنوان اصل کلی در نظر گرفته می‌شود و دلیل آن نیز احتمال ایجاد زحمت و هزینه برای متعهدله است. اجرای پیش از موعد، در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در ماده ۱-۵-۶ و ذیل فصل ششم با عنوان «اجرای تعهدات» بیان شده است، در حالی که در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، ماده ۵۲ در ذیل بخش سوم و با عنوان طرق جبران ناشی از نقض قرارداد مطرح گردیده است. با اینکه جایگاه دو حکم یاد شده یکسان نیست (مورد اول ذیل اجرای تعهدات و مورد دوم ذیل عدم اجرای تعهدات آمده است)، با این حال در شرح رسمی اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی بیان شده است که اجرای پیش از موعد، معادل با عدم اجرای تعهدات قراردادی می‌باشد<sup>۲۲</sup>. در اصول حقوق قراردادهای اروپا نیز ماده ۱۰۳-۷ که اختصاص به اجرای پیش از موعد دارد، ذیل فصل هفتم با عنوان «اجرای تعهدات» درج شده است و از حیث جایگاه موضوع، همانند اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی است (Lando, 2000, P. 329).

مقایسه نشان می‌دهد که ماده ۱۰۳-۷ اصول قراردادهای اروپا نسبت به کنوانسیون کاملتر است؛ زیرا اولاً اعمال اختیار طرف قرارداد را در قبول یا رد اجرای پیش از موعد مشروط نموده است. ثانیاً تصریح نموده است که قبول اجرای پیش از موعد از سوی متعهدله، تأثیری بر زمان اجرای تعهد خود او ندارد.

البته با توجه به تفسیری که از ماده ۵۲ کنوانسیون به عمل آمده است، برخی معتقدند که تفاوت‌های این دو سند جزئی بوده و تنها تفاوت در این است که اصول حقوق قراردادهای اروپا صریح است، در حالی که کنوانسیون به طور ضمنی دلالت بر همان موارد مصرح در اصول حقوق قراردادهای اروپا دارد. همچنین اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، از صراحت کافی در این زمینه برخوردار است. بنابراین، اسناد یاد شده به نحو

مشابهی دارای آثار یکسان می‌باشد (Lando, 2000, PP. 329).

برخی معتقدند که حکم بند ۱ ماده ۵۲ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و ماده ۱۰۳-۷ اصول قراردادهای اروپا در موردی که زمان اجرای تعهد معین نشده، یا در آینده قابل تعیین است، قابل اعمال نمی‌باشد همچنین تحویل کالا در محدوده یک دوره زمانی به موجب احکام یاد شده، تحویل پیش از موعد تلقی نمی‌شود (Ying, 2007, PP. 363, 364).

در مجموع، متن عبارت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با متن اسناد دیگر متفاوت است، هر چند که با تفاسیر به عمل آمده از کنوانسیون مزبور، هماهنگی میان اسناد غیر قابل انکار است. گفتنی است، قاعده کلی در ماده ۱۰۳-۷ اصول حقوق قراردادهای اروپا و ماده ۱-۵-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی این است که قبول اجرای پیش از موعد توسط متعهدله، تأثیری بر اجرای تعهدات خود او ندارد و از این جهت موضع اسناد یاد شده یکسان است و ماهیت حقوقی ایفای پیش از موعد، در چنین وضعیتی از نوع اسقاط حق تلقی می‌شود. در این میان باید توجه داشت که اگر قبول اجرای پیش از موعد تعدیل قرارداد محسوب شود، ممکن است چنین وضعیتی سبب شود که متعهدله نیز ملزم به اجرای پیش از موعد تعهدات خود شود.

## ۴- مبانی فقهی اجرای پیش از موعد عقد

در حقوق اسلام، دیدگاه‌های متنوعی در خصوص اجرای پیش از موعد عقد، به ویژه در مورد عقد بیع و پرداخت ثمن قبل از حلول اجل بیان شده است که در دو بخش جداگانه نظریات فقهی امامیه و عامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۴-۱- فقه امامیه

فقه‌های امامیه، نظریات متفاوتی راجع به امکان پرداخت ایفای پیش از موعد عقد بیان داشته‌اند. طبق قاعده کلی، متعهدله پیش از رسیدن زمان اجرای تعهد، حق مطالبه ندارد. بنابراین، در عقد بیع مشتری تکلیفی به پرداخت ثمن پیش از حلول اجل ندارد، چرا که فایده شرط اجل، عدم امکان مطالبه ثمن قبل از موعد مقرر است (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۲۱۲)، اما در خصوص اینکه مشتری مجاز است که ثمن را پیش از موعد بدهد و در چنین وضعیتی قبول آن بر بایع واجب است یا نه، نظریات گوناگونی ارائه شده است. نظر مشهور میان فقها (روحانی، ۱۴۲۹، ص ۶۵؛ روحانی،

22. <http://www.unidroit.org/english/principles/contracts/principles2010/integralversionprinciples2010-e.pdf>

شرط اجل ساقط شده است و این حق ساقط شده با انصراف از اجل، قابل بازگشت نیست (روحانی، ۱۴۲۹، ص ۴۶۸).

یکی دیگر از موارد عدم امکان اسقاط اجل، ناظر به موردی است که اجل نذری باشد. به عنوان مثال، هر گاه فروشنده هنگام معامله نذر کند که خریدار شش ماه بعد ثمن را بپردازد، در صورتی که تأجیل، حق الله یعنی نذری باشد، علاوه بر عدم جواز پرداخت پیش از موعد، حتی قابل اقاله هم نخواهد بود، چون حق متعلق به غیر از طرفین عقد است (همان، ص ۴۶۸؛ انصاری، ۱۴۱۵، ص ۲۱۴).

در خصوص عقد مکاتبه<sup>۲۴</sup>، که موضوع آن عبارت از آزاد نمودن بنده می‌باشد، بیان شده است که اگر مکاتب پیش از موعد ثمن را بپردازد، مولی در قبض و یا ترک آن مختار است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۱۷، ص ۴۸۴).

در صورتی که فقط بایع مستحق در اجل باشد، می‌تواند اجرای پیش از موعد را رد کند. یکی از این موارد، ناظر به موردی است که پرداخت پیش از موعد، برای وی خطر و احتمال ضرر داشته باشد. مانند آنکه بایع در شهری غریبه، کالایی را بفروشد و اخذ ثمن در آن شهر خوف سرقت را در پی داشته باشد، در چنین وضعیتی نمی‌توان او را ملزم به قبول ایفای پیش از موعد ثمن نمود (خویی، بی تا، ص ۵۶۵).

به نظر برخی از فقها، صاحب دین هم در اجل مستحق است. به همین دلیل شرط اجل، با اسقاط یک طرفه اسقاط نمی‌شود، و فقط با اقاله قابلیت اسقاط دارد (کمپانی، ۱۴۱۸، صص ۳۴۲-۳۴۳).

قبض ثمن قبل از موعد مقرر بر بایع واجب نیست؛ زیرا ممکن است بایع در قبول آن در موعد پیش بینی شده، نفعی داشته باشد، مانند موردی که طلبکار بایع، طلب خود را مطالبه می‌کند و در این موقعیت بایع قصد دارد که قسم یاد کند که فاقد مال است، در نتیجه اگر مال را پیش از موعد اخذ کند، دیگر نمی‌تواند چنین قسمی یاد کند، پس نمی‌توان او را به قبض ثمن قبل از حلول اجل ملزم نمود (شهیدثانی، ۱۴۱۰، صص ۵۱۹-۵۲۰).

مشتری نمی‌تواند قبل از حلول اجل مطالبه مبیع کند، چرا که فایده ذکر اجل در عقد منتفی می‌شود و اگر مبیع قبل از موعد تسلیم شود، قبول آن بر مشتری واجب نیست، اعم از اینکه در

۱۴۱۲، ص ۴۲۰؛ انصاری، ۱۴۱۵، ص ۲۱۲؛ کمپانی، ۱۴۱۸، ص ۳۴۱)، ناظر بر عدم وجوب قبول ایفای پیش از موعد است و دلایل متعددی برای آن بیان شده است که می‌توان در دو بخش دلایل مخالفان و موافقان را مورد اشاره قرار داد.

### الف) ادله مخالفان ایفای پیش از موعد تعهدات

ادله مخالفین ایفای پیش از موعد تعهدات، در میان فقهای امامیه، یا از حیث عدم قابلیت امکان اجرای پیش از موعد عقد است، یا آنکه مانعی مشروع در اجرای پیش از موعد وجود دارد و یا آنکه متعهدله، دلیل موجهی برای رد آن دارد که اهم مطالب مطروحه در این خصوص را دسته‌بندی کرده‌ایم.

یکی از دلایل عدم وجوب قبول اجرای پیش از موعد، این است که تعجیل، مانند آن است که زیادتی به عنوان مجانی اداء می‌شود<sup>۲۳</sup>. به این معنی که هرگاه متعهد پیش از رسیدن موعد به تعهد خویش عمل کند، به منزله آن است که منفعتی و امتیازی را به طور مجانی به متعهدله ارائه نموده است و چون این اقدام می‌تواند منت در پی داشته باشد، لذا قبول آن واجب نیست (علامه‌حلّی، بی تا، صص ۵۵۸-۵۵۹؛ کمپانی، ۱۴۱۸، ص ۳۴۱).

چون مالکیت در عقد مدت‌دار معلق بر حلول اجل است، پرداخت پیش از موعد با بیع مؤجل، سازگاری ندارد (روحانی، ۱۴۲۹، ص ۴۶۵؛ روحانی، ۱۴۱۲، ص ۴۲۰).

به نظر برخی اجل، همانگونه که حق مشتری است، حق بایع نیز به شمار می‌رود، چرا که مشتری متعهد به حفظ و مراقبت مال بایع که در ذمه اوست، می‌باشد، پس نمی‌توان بایع را به قبول ایفای پیش از موعد ثمن، ملزم نمود. بایع استحقاق دارد تا مشتری از ثمنی که قرار است به او پرداخت کند، مراقبت و محافظت نماید و این اقدام بر مشتری لازم است و مانند آن است که بایع مال خود را نزد مشتری به ودیعه نهاده است (کمپانی، ۱۴۱۸، ص ۳۴۱).

با اسقاط اجل از سوی ذینفع، شرط اجل ساقط نمی‌شود؛ زیرا شرط اجل در ضمن عقد لازم مقرر شده و رعایت آن بر هر دو طرف لازم است و با اسقاط یکی از آن دو، از بین نمی‌رود (کرکی، ۱۴۰۸، ص ۴۱).

مطابق نظری دیگر، اجل از اوصاف ثمن می‌باشد و چون وصف تابع موصوف است، در نتیجه به تنهایی قابل اسقاط نیست (خویی، بی تا، ص ۵۶۷).

مطالبه ثمن به صورت حال و نقد، از موارد حق بوده که با

۲۴. مکاتبه عبارت است از عقدی که میان مولی و عبد به منظور آزادی عبد در مقابل پرداخت عوض معلوم در زمان معین، انجام می‌پذیرد و در قرآن کریم (وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ أِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتَوْهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ - آیه ۳۳ سوره نور) نیز به این عقد توصیه شده است.

۲۳. زمان در تعهدات دارای ارزش مالی است و قاعده فقهی «للاجل قسط من الثمن» دلالت بر این موضوع دارد.

امتناع خریدار علت موجهی وجود داشته باشد (مانند آنکه مبیع حیوانی است که نیازمند نگهداری بوده یا گوشت یا میوه‌ای است که خوردن آن در زمان مقرر مطلوب است<sup>۲۵</sup> یا مبیع نیازمند تأمین محلی برای نگهداری است مانند گندم) یا آنکه هیچ گونه علتی برای عدم قبول نداشته باشد، هر چند که ممکن است متعهدی که قصد ایفای پیش از موعد را دارد، علتی و هدفی داشته باشد، مانند آنکه بخواهد برئ الذمه شود یا با ادای دین، مال مرهونه خود را آزاد کند، یا با ایفای دین قبل از حلول اجل، ضامن بری شود (علامه‌حلی، بی‌تا، صص ۵۵۸-۵۵۹).

### ب) ادله موافقان ایفای پیش از موعد تعهدات

برخی از فقها، دلایل یاد شده را مورد انتقاد قرار داده‌اند و امکان ایفای پیش از موعد تعهد را تأیید نموده‌اند. ادله موافقان ایفای پیش از موعد تعهدات را که در حقیقت پاسخ به مخالفان است، را می‌توان به شرح ذیل بیان نمود:

در پرداخت پیش از موعد، همان ثمن مورد توافق به متعهدله داده می‌شود نه چیز اضافه‌ای که مستلزم منت باشد، در ضمن اگر تصور شود که ثمن اضافه‌ای پرداخت می‌شود، در چنین صورتی، ثمن زیاده تحت مالکیت متعهدله در نخواهد آمد، مگر اینکه ایجاب و قبول جدیدی واقع شود، البته حقیقت امر این است که پرداخت پیش از موعد در محدوده همان عقد واقع می‌شود بدون اینکه عقد جدیدی واقع شود (کمپانی، ۱۴۱۸، ص ۳۴۱).

مالکیت بر عوضین، به صرف وقوع عقد حاصل می‌شود، گرچه تسلیم هر یک از عوضین، یا هر دو به اجلی موکول شده باشد؛ چرا که مالکیت در عقد مؤجل نیز انتقال می‌یابد و معلق بر حلول اجل نمی‌باشد، و شرط اجل نیز تنها جواز تصرف در مبیع را به تأخیر می‌اندازد (روحانی، ۱۴۲۹، ص ۶۵؛ روحانی، ۱۴۱۲، ص ۴۲۲؛ کمپانی، ۱۴۱۸، ص ۳۴۳).

در عقد مدت‌دار، اگر چه ثمن تا موعدی معین در دست مشتری است، اما باز هم سلطنت ثمن با فروشنده است؛ چرا که تنها اثر اجل، این است که فروشنده حق مطالبه به صورت حال را ندارد و تعجیل مانع از این سلطنت است و نمی‌توان حق اضافی دیگری، غیر از اصل ثمن برای بایع، یعنی تعهد مشتری به مراقبت و محافظت از ثمن، برای بایع در نظر گرفت (کمپانی، ۱۴۱۸، صص ۳۴۱-۳۴۲).

در مورد اینکه شرط اجل، در ضمن عقد لازم واقع شده است و بنابراین با اسقاط یکی از طرفین زایل نمی‌شود، می‌توان ایراد وارد گرفت که اولاً تنها مشتری ذینفع در اجل است و بایع در

۲۵. یعنی موعد اجرای تعهد از نوع وحدت مطلوب است.

اجل حقی ندارد. ثانیاً در صورتی که تنها مشتری ذینفع باشد، باید بتواند شرط اجل را اسقاط کند، گرچه شرط اجل در ضمن عقد لازم واقع شده باشد، چون اگر نتواند حق خود را اسقاط کند، با اقاله هم نباید قابل اسقاط باشد. در ضمن، مستحق بودن طرف دیگر در اجل یعنی بایع، مانع از جواز اسقاط حق، از سوی ذینفع یعنی مشتری نمی‌شود؛ چرا که هر ذینفعی می‌تواند از حق خود بگذرد (خویی، بی‌تا، ص ۵۶۸).

اجل از اوصاف ثمن یا مبیع نمی‌باشد و به تنهایی قابل اسقاط است و نباید اجل را مانند صفاتی که بر خود مبیع یا ثمن شرط می‌شود، مانند سالم بودن مبیع، به حساب آورد. در صورتی که بیع بر مبیع سالم واقع شده باشد، اسقاط این صفت ممکن نخواهد بود مگر به صورت اقاله، اما اگر اجل به عنوان شرط در عقد واقع شده باشد، قابل اسقاط است و این قابل قیاس با صفت نیست (همان، بی‌تا، صص ۵۶۷-۵۶۸).

حق مطالبه با شرط اجل ساقط نمی‌شود، بلکه تنها اعمال آن به تأخیر می‌افتد؛ زیرا جواز مطالبه از اقسام حکم است نه حق، در نتیجه قابل اسقاط نیست (روحانی، ۱۴۲۹، ص ۶۸؛ انصاری، ۱۴۱۵، ص ۲۱۴).

برخی از فقها، قائل به وجوب قبول هستند و معتقدند که اجلسدر عرف، فرصت و رخصتی برای مشتری در جهت تأمین ثمن است و اگر وی بخواهد پیش از موعد آن را بپردازد، مانند آن است که ثمن بیشتری به بایع داده می‌شود و چنین امری حتی مطلوب تجار است و سزاوار امتناع نیست (اردبیلی، بی‌تا، ص ۳۳۴).

هنگامی که بایع می‌گوید: این مبیع را به فلان مدت می‌فروشم، معنای ذکر چنین موعدی آن است که محدوده موسع زمانی برای ادای ثمن در نظر گرفته شده است و در حقیقت، نهایت زمان اجرای تعهد مشخص شده است و به معنای مضیق ساختن موعد نیست و مشتری می‌تواند ثمن را در اول وقت یا در خود موعد اداء نماید، مگر اینکه ظاهر شود که ایفای پیش از موعد، موجب ضرر بایع است (همان، بی‌تا، ص ۳۳۴).

آنچه اجل افاده می‌کند، عدم وجوب پرداخت پیش از موعد است، ولی در موردی که متعهد بخواهد پیش از موعد ادا کند، عدم وجوب قبول فایده‌ای ندارد، چرا که وقتی ذینفع، از اجل چشم پوشی می‌کند، عقلاً و نقلاً اخذ آن بر صاحب دین واجب است (همان، بی‌تا، ص ۳۳۴).

به نظر برخی اگر مکاتب، مریض بوده و وصیتی نموده باشد یا اقرار بر دین کند، بر مولی واجب است که پرداخت پیش از موعد را بپذیرد، چرا که در صورت امتناع مولی، اقرار و وصیت

عبد باطل خواهد شد (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۱۷، ص ۴۸۴).

## ۲-۴- فقه عامه

در فقه اهل سنت، نظریات مختلفی راجع به اجرای پیش از موعد تعهدات بیان شده است که در مذاهب مختلف مورد اشاره قرار می‌گیرد.

### الف) مذهب شافعی

به عقیده برخی، چنانچه فروشنده بخواهد مبیع را پیش از موعد تسلیم کند، مشتری در صورت برخورداری از منفعت موجه می‌تواند از قبول آن امتناع نماید، گرچه فروشنده نفعی در تعجیل داشته باشد. مانند موردی که مبیع، در بیع سلم حیوان باشد و تا موعد مقرر در عقد نیاز به علوفه پیدا کند، یا مبیع از مواردی باشد که دچار تغییر می‌شود، مانند غذا و میوه، یا احتمال سرقت مبیع موجود باشد، مانند اینکه مشتری در شهری غیر از شهر خویش باشد، و یا مبیع مقدار زیادی پنبه است که جهت حفظ و نگهداری، نیاز به انبار دارد، که در چنین مواردی قبول پیش از موعد بر مشتری واجب نیست. در غیر این موارد، اگر مشتری دلیل موجهی بر رد نداشته نباشد، ولی برای بایع غرض و هدفی صحیح تصور شود، مانند اینکه بخواهد با ادای دین، فک رهن کند یا ضامن او بری شود، مشتری بر قبول آن اجبار می‌شود (الشربینی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۶؛ الرافعی، بی‌تا، صص ۳۳۱-۳۳۲؛ شافعی، ۱۴۰۳، ص ۱۳۹).

اما اگر مبیع، غیر جاندار مانند طلا، نقره، مس، لباس، چوب و سنگ باشد و بایع بخواهد پیش از موعد تسلیم کند، خریدار اجبار می‌شود، برخلاف خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها که امکان اجبار بر قبول پیش از موعد وجود ندارد. همچنین اگر مورد تسلیم، دره‌م و دینار باشد و متعهدله، مکان امنی برای محافظت از آن نداشته باشد، امکان اجبار وجود ندارد (شافعی، ۱۴۰۳، ص ۱۳۹).

در وضعیت دیگری که فروشنده احتمال می‌دهد به جهت نایاب شدن مبیع، امکان تسلیم آن در موعد پیش‌بینی شده وجود ندارد، بنا بر قولی اظهار عقیده شده است که قبول پیش از موعد بر خریدار واجب است (الشربینی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۶).

در عقد مکاتبه، که مدت معینی برای ادای مال از سوی عبد پیش‌بینی شده است، هر گاه برده بخواهد پیش از موعد ادای دین کند و خود را آزاد سازد، مولی بر اخذ آن اجبار می‌شود (الشربینی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۶؛ الرافعی، بی‌تا، صص ۳۳۱-۳۳۲؛ شافعی، ۱۴۰۳، ص ۱۳۹).

همچنین بیان شده است که اگر مدیون بخواهد، ثمن را در

موعدی غیر از زمان مقرر بپردازد که از غارت و سرقت در امان باشد، مشتری به اخذ آن اجبار خواهد شد. در غیر این صورت اجباری در کار نخواهد بود (مجلس عالی شئون اسلامی، ۱۴۱۰، ص ۴۳).

### ب) مذهب مالکی

اگر مقترض بخواهد که مال القرض را قبل از حلول اجل ادا نماید، مقترض به قبول آن ملزم می‌شود؛ زیرا اجل حق مدیون است و فرقی نمی‌کند که موضوع قرض عین (مال مثلی) یا غیر عین (وجه نقد) باشد. اما در خصوص غیر عین، مانند وجه نقد چنانچه ادای پیش از موعد آن موجب سختی و شدت مقترض شود، او ملزم به قبول آن نخواهد بود.

چنانچه مال القرض عین باشد و مقترض بخواهد که پیش از موعد ادا کند، اگر کم وزن باشد، مقترض به قبول آن ملزم می‌شود. اما اگر خوف سرقت آن باشد، یا حمل آن موجب مشقت باشد، مقترض ملزم به قبول آن نیست (موسوعه الفقه الاسلامی، بی‌تا، صص ۴۲-۴۳؛ الدسوقی، بی‌تا، ص ۲۲۷).

### ج) مذهب حنفی

در صورتی که مدیون بگوید: اجل را باطل کردم، یا ترک اجل کردم، دین حال خواهد شد و زمانی که دین را پیش از موعد می‌پردازد، طلبکار مستحق است که دین را اخذ نماید و در صورتی که در مبیع عیبی باشد، طلبکار می‌تواند آن را رد کند تا در خود موعد تسلیم کند (ابن عابدین، ۱۴۱۵، ص ۲۸۲).

بنا بر قولی، زمانی که مدیون دین را به صورت پیش از موعد می‌پردازد، قبول آن بر داین واجب است، مگر آنکه اخذ آن به صورت پیش از موعد، برای وی ضرری در پی داشته باشد، مثلاً اینکه مدیون دین را در شهری غیر از شهر داین بپردازد. در این صورت، طلبکار بر اخذ ثمن به صورت پیش از موعد اجبار نمی‌شود؛ چرا که احتمال سرقت وجود دارد (موسوعه الفقه الاسلامی، بی‌تا، ص ۴۲).

### د) مذهب حنبلی

در صورتی که مبیع پیش از موعد تسلیم شود، در وجوب یا عدم وجوب، یا در جواز اسقاط و یا عدم اسقاط اجل باید به تفصیل قائل شد.

در صورتی که مبیع، از مواردی باشد که در طول زمان، دچار تغییر می‌شود، مانند: میوه و خوردنی‌ها یا از جمله اموالی است که قیمت آن با گذر زمان متغیر است، مانند: حبوبات، یا اگر مبیع حیوان بوده و تا موعد مقرر در عقد نیاز به علوفه دارد، در چنین حالاتی مشتری بر اخذ مبیع اجبار نمی‌شود؛ زیرا در میوه و خوردنیها هدف استفاده در همان موعد مقرر است و چنانچه



پیش از موعد تسلیم شود، در موعدی که استفاده آن مد نظر و مطلوب خریدار بوده، فاسد می‌شوند و یا تهیه علوفه برای حیوان و انبار برای پنبه ضررهایی هستند که با قبول پیش از موعد، بر مشتری وارد می‌شود.

اما چنانچه مبیع طلا، نقره، مس و آهن باشد که دچار تغییر نمی‌شود، یا از جمله اموالی است که قیمت آن در نوسان و متغیر نیست، مانند: عسل و زیتون، یا مبیع حیوانی نیست که نیاز به هزینه و علوفه داشته باشد، یا مبیع مالی است که نیاز به انبار ندارد، در چنین مواردی اخذ مبیع، پیش از موعد بر مشتری واجب است و سزاوار امتناع نیست (ابن قدامه، بی تا، ص ۳۴۶؛ عبدالرحمن بن قدامه، بی تا، ص ۳۳۱؛ البهوتی، ۱۴۱۸، ص ۳۵۲).

## ۵- نتیجه گیری

با آنکه متعهد، به اجرای پیش از موعد عقد ملزم نیست، اما هر گاه بخواهد چنین اقدامی انجام دهد، نمی‌توان حقی مطلق برای وی در نظر گرفت. به استناد اینکه هر مشروط‌لهی اختیار دارد از شرط صرف نظر کند، می‌توان به او اجازه داد تا پیش از موعد مقرر، نسبت به ایفای تعهد خود اقدام کند، چرا که احتمال دارد اجرای پیش از موعد عقد، هزینه و یا زحمتی اضافی برای متعهدله در پی داشته باشد و موجب خسارت شود.

البته بررسی امکان ایفای پیش از موعد تعهدات، ویژه قراردادهایی است که موعد آن از نوع تعدد مطلوب است نه وحدت مطلوب، زیرا بدیهی است که در تعهدات با وحدت مطلوب، اجرای مقدم و مؤخر متصور نیست.

با اینکه در برخی از قوانین مدنی، اجل به نفع متعهد در نظر گرفته شده است، اما مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که در برخی دیگر از کشورها، طرفین عقد، هر دو ذینفع اجل هستند. بنابراین، اجرای پیش از موعد، تنها به اراده متعهد وابسته نیست و موافقت متعهدله نیز لازم است، تا جایی که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، تسلیم پیش از موعد مبیع را در ذیل عنوان «نقض قرارداد» مورد توجه قرار داده است. البته در تعهدات پولی باید به تفکیک قائل شد، زیرا تصور ضرر در اجرای پیش از موعد تعهدات پولی، جز در موارد استثنایی ممکن نیست.

مطالعه اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که متعهد در اجرای پیش از موعد عقد، آزادی عمل ندارد و متعهدله می‌تواند از قبول اجرای پیش از موعد خودداری نماید، مگر اینکه امتناع وی، با اصل حسن نیت تلقی مغایر شود و یا آنکه زحمت و هزینه اضافی برای متعهدله وجود نداشته باشد.

علیرغم نظریات گوناگونی که در فقه امامیه مطرح شده است، نظر مشهور میان فقها که ناظر بر عدم وجوب قبول ایفای پیش از موعد است، منطقی به نظر می‌رسد. از این جهت، با اسناد بین‌المللی هماهنگی دارد، اما باید استثنائات قاعده در فقه امامیه مورد توجه قرار گیرد و همچنانکه در ادله موافقان ایفای پیش از موعد تعهدات بیان شد، در مواردی می‌توان با اثبات اینکه موعد تنها به نفع متعهد است، قائل به وجوب قبول ایفای پیش از موعد تعهد شد.

نظریات مطروحه در میان فقهای عامه که عموماً ناظر به امکان رد ایفای پیش از موعد در صورت داشتن منفعت موجه از سوی متعهدله است، نشانگر نوعی هماهنگی میان اسناد مورد اشاره و برخی از نظریات فقهی است.

بدیهی است هر گاه اجرای پیش از موعد عقد، تحت شرایط مقرر (با رضایت متعهدله در مواردی که ایفای پیش از موعد موجب زحمت و هزینه اضافی است یا آنکه از اساس امکان ایفای پیش از موعد، به دلیل ماهیت تعهد فراهم است، مانند تعهدات پولی) صورت پذیرد، چنین ایفایی موجب برائت ذمه متعهد خواهد بود.

مطالعه حاضر نشان می‌دهد که خلاء قانونی موجود در این زمینه می‌تواند با مد نظر قرار دادن نظریات مهم و قابل استناد فقهی پر شود. در نتیجه دادگاه‌های ایران، بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی امکان استناد به نظریات مطروحه را خواهند داشت. از سوی دیگر، اسناد بین‌المللی مورد مطالعه می‌تواند مبنای خوبی برای قانون‌گذاری آتی باشد.

## منابع

### الف) منابع فارسی

- اخلاقی، بهروز و امام، فرهاد، (۱۳۸۵)، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، چاپ دوم، تهران، نشر شهر دانش.
- امامی، سید حسن، (۱۳۸۲)، حقوق مدنی، ج ۱، چاپ بیست و سوم، تهران، نشر اسلامیه.
- امامی، سید حسن، (۱۳۷۴)، حقوق مدنی، ج ۲، چاپ یازدهم، تهران، نشر اسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸)، حقوق تعهدات، چاپ سوم، تهران، نشر گنج دانش.
- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۲)، حقوق مدنی (آثار قراردادهای تعهدات)، ج ۳، چاپ اول، تهران، نشر مجد.
- عمید، حسن، (۱۳۶۹)، فرهنگ عمید، ج ۱، چاپ هفتم، تهران، نشر امیر کبیر.



- صفایی، سید حسین و سایرین، (۱۳۸۴)، حقوق بیع بین‌المللی، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- صفایی، سیدحسین، (۱۳۸۹)، دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، ج ۲، چاپ دهم، تهران، نشر میزان.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۶۴)، حقوق مدنی (عقود اذنی - وثیقه‌های دین)، چاپ اول، تهران، نشر بهنشر.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۱)، عقود معین، ج ۱، چاپ چهارم، تهران، نشر انتشار.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، نظریه عمومی تعهدات، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان
- جامع اهل بیت ۲.
- علامه حلی، (بی‌تا)، تذکره الفقهاء، ج ۱، تهران، نشر مکتب رضوی.
- قدامة، عبدالرحمن بن، (بی‌تا)، الشرح الكبير، ج ۴، بیروت، دارالکتب العربی.
- قدامة، عبدالله بن، (بی‌تا)، المغنی، ج ۴، بیروت، دارالکتب العربی.
- کرکی، علی، (۱۴۰۸)، جامع المقاصد، ج ۵، قم، مؤسسه آل بیت.
- کمپانی، محمد حسین، (۱۴۱۸)، حاشیه کتاب المکاسب، ج ۵، چاپ اول، قم، نشر أنوارالهدی.
- مجلس عالی شئون اسلامی، (۱۴۱۰)، موسوعة الفقه الاسلامی، موسوم به موسوعة جلال عبدالناصر، ج ۳، مصر.
- الموسوعة الفقهية، (۱۴۰۴)، ج ۲، چاپ دوم، کویت، وزارت اوقاف و شئون اسلامی.

### ج) منابع انگلیسی

- Cartwright, John & Vogenauer, Stefan and Whittaker, (2009), Simon, *Reforming the French Law of Obligations*, Hart pub.
- Christine Zaccaria, Elana, (2004), "The Dilemma of Good Faith in International Commercial Trade", *Macquarie Journal of Business Law*, Vo1.1,
- Enderlein, Fritz & Maskow, (1992), Dietrich, *International Sales Law: United Nations Convention on Contracts for the International Sales of goods*, Oceana Pub.
- Honnold, John & Flechtner, Harry M. ( 2009 ), *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention, the Netherlands*, Kluwer Law International.
- Joachim Bonell, Michael, (1997), *An International Restatement of Contract Law*, 2nd ed, New York.
- Lando, Ole & Beale, Hugh, (2000), *Principles of European Contract Law, Parts I and II*, Kluwer Law International, Netherlands
- Markesinis, Sir Basil and Others, (2006), *The German Law of Contract*, Hart pub, US and Canada.
- Schwenger, E.& Fountoularis, (2007), C. (Eds), *International Sales Law*, London and New York , Routledge- Cavendish.
- *UNCITRAL Digest of Case Law on the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, UNITED NATIONS, New York, 2012.
- Will, Michael, *Bianca-Bonell Commentary on the*
- ابن عابدین، (۱۴۱۵)، حاشیه رد المحتار، ج ۵، نشر دارالفکر.
- البهوتی، منصور، (۱۴۱۸)، کشف القناع، ج ۳، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- اردبیلی، احمد، (بی‌تا)، جمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۸، چاپ اول، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی.
- امامی خوانساری، محمد، (بی‌تا)، الحاشیه الثانیة علی المکاسب، ج ۱، چاپ اول، نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲.
- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵)، مکاسب، ج ۶، چاپ اول، قم، نشر کنگره سخانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- جمعی از پژوهشگران، (۱۴۱۷)، معجم فقه الجواهر، ج ۵، بیروت، نشر الغدیر.
- حائری، سیدعلی، (۱۴۰۹)، الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع، ج ۲، چاپ اول، قم، نشر انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- خوبی، سیدابوالقاسم، (بی‌تا)، مصباح الفقه، ج ۷، نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲.
- الرفعی، عبدالکریم، (بی‌تا)، فتح الغریز، ج ۹، نشر دارالفکر، (نرم‌افزار المعجم فقهی).
- روحانی، سیدصادق، (۱۴۱۲)، فقه الصادق، ج ۱۷، چاپ اول، قم، نشر دارالکتب.
- روحانی، سیدصادق، (۱۴۲۹)، منهاج الفقاهة، ج ۶، چاپ پنجم، قم، نشر انوار الهدی.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد، (۱۹۷۴)، الوسیط فی شرح القانون المدني، ج ۱، بیروت.
- شافعی، محمد بن ادریس، (۱۴۰۳)، الأم، ج ۳، چاپ دوم، نشر دارالفکر.
- الشریبئی، محمد، (۱۳۷۷)، مغنی المحتاج، ج ۲، دار احیاء التراث العربی.
- شمس‌الدین محمد (الدسوقی)، (بی‌تا)، حاشیه الدسوقی، ج ۳، دار احیاء الکتب العربیة.
- شهید ثانی، (۱۴۱۰)، شرح لمعة، ج ۳، چاپ اول، قم، نشر امیر.
- عبدالرحان، محمود، (بی‌تا)، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیة، ج ۱، نرم افزار

*International Sales Law*, Giuffr : Milan (1987) 79-382.  
Cited in: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/will-bb52.html>

- [www.unidroit.org/english/principles/contracts/principles2010/integralversionprinciples2010-e.pdf](http://www.unidroit.org/english/principles/contracts/principles2010/integralversionprinciples2010-e.pdf)
- Ying, Colin, ( 2007), *Time for delivery and early delivery: Comparison between the provisions of CISG Articles 33 and 52(1) and the counterpart provisions of the PECL (Articles 7:102 and 7:103), An International Approach to the Interpretation of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980) as Uniform Sales Law*, Edited by John Felemegas, Cambridge University Press.
- *Principles of European Contract Law [PECL]*
- *UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts [UPICC]*
- *United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980) [CISG]*